

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ مارچ ۲۰۲۳

دوستی خرس و شفقت ملا هبةالله

سه شنبه - ۱۶ حوت ۱۴۰۱ - کابل: "هیچکس به اندازه ملا هبةالله آخوندزاده، امیر المومنین، نسبت به زنان شفقت ندارد" جمله ای که در فوق از نظر تان گذشت، متن سخنان ملا "اندا محمد ندیم" سرپرست وزارت تحصیلات عالی که به مثابه یکی از سگان پاچه گیر "امیر غایب" خود را تثبیت نموده، می باشد که در محفل فراغت "مفتیان طالب" امروز بیان داشت. وقتی این جملات را خواندم، علی رغم آن که برداشتم از کلمه "شفقت" به معنای "مهربانی" و معادل عربی آن "عطوفت" بود با آنهم قبل از تبصره در مورد گفته های "ملا ندیم"، به یگانه فرهنگی که در دسترش داشتم مراجعه نمودم تا ببینم فرهنگ ها "شفقت" را چه معنا نموده اند:

شفقت- عربی-شفقة- مهربانی؛ عطوفت: فرهنگ بزرگ سخن- جلد پنجم از هشت جلد- صفحه ۴۵۱۴

وقتی اطمینان یافتیم که شفقت هیچ معنایی به جز مهربانی و یا کلمات دیگری که عین احساس انسان را نسبت به انسان و یا زنده جان دیگری اعم از حیوان و نبات بیان دارد نیست، خواستم اندکی در مورد نوعیت این شفقت مکث نمایم: ما در فرهنگ همیشگی و مناسبات روز مره خود وقتی از دوستی، مهربانی و شفقت یاد می نمایم، معمولاً سه نوع آن را قابل انتقاد و نکوهش می دانیم.

*- نخستین آن نوع محبتی است که همه ما در مکتب در زبان پشتو زیر عنوان "ناپوه پیرزوینه"، داستان پیر زن بیچاره و مهربانی را که از فرط دلسوزی جاهلانه، نول چنگ و پنجال های تیز عقب پادشاه را برید، تا هم نان خورده بتواند و راه رفته بتواند، خوانده ایم؛

*- دومین نوع دوستی و شفقت را در کودکان دیده ایم. آنها بدون آن که بدانند نباید یک پرنده را در دستان شان آنقدر فشار دهند که بمیرد، نا آگاهانه از فرط مهربانی و این که نکند پرنده فرار کند، پرنده کوچک را آنقدر در دستان شان محکم نگاه می دارند و "پچق" می کنند که پرنده می میرد؛

*- سومین نوع دوستی و شفقت افراطی که در فرهنگ ما مورد انتقاد قرار می گیرد، دوستی از نوع خرس است. این حکم از این پیش فرض مایه گرفته، که خرس از فرط محبتی که به چوپه اش دارد ویرا چنان در آغوشش می فشارد، که استخوانهای این چوپه را شکسته، جای درجای به قتل می رساند.

هموطنان گرامی!

من هر چه فکر کردم که شفقت "ملا هبة الله" را با آن پیرزن نادان مگر مهربان یکی بدانم و یا هم به مانند آن کودک که به مقتضای سنش باعث مرگ پرندۀ کوچک می گردد، عملکردش را بسنجم، جرأت نتوانستم زیرا "ملا هبة الله" با آنهمه درسی که در مدارس مذهبی و استخباراتی خوانده است نادان نیست که از روی نادانی چنین جنایاتی را در حق زنان کشور روا دارد و همچنان با سن و سالی که از وی گذشته است، دیگر هیچ پیوندی بین وی و معصومیت کودکان باقی نمانده، تا به غل و زنجیر افگندن و در چار دیواری خانه ها محبوس ساختن زنان را برخاسته از فقدان تجربه و حیات معصومانه اش بدانم. در نتیجه باقی می ماند، دوستی از نوع خرس.

از آن جایی که من حیوان شناسی نخوانده ام و این را نمی توانم صد درصد حاکم نمایم که وقتی خرسی چوچه را در بغلش آنقدر فشار می دهد که می میرد، آیا واقعاً از روی محبت و شفقت است و یا انگیزۀ بقاء و ترس از رقیب آینده خرس را به چنان جنایتی می کشاند که چوچه خودش را در آغوشش به قتل برساند، در عنوان مطلب دوستی خرس را با شفقت ملا هبة الله یکسان معرفی نمودم.

تا جایی که عملکرد ملا "هبة الله" و کلیت نظام ملاسالار نشان می دهد آنها نه تنها به اساس داستانهای مذهبی از خلقت آدم گرفته تا بیرون انداختن آدم و حوا از بهشت، زنان را مسؤول می دانند، بلکه در شرایط کنونی که مردان جامعه ما را شرایط روزگار "خواجه" ساخته است و با وجود سپری شدن بیش از ۱۸ ماه از عمر نکبتبار طالب، تا حال هیچ حرکت "مردانه" ای - به مفهوم مرد سالارانه اش- از طرف خیل "خواجه" ها صورت نگرفته و این تنها و تنها زنان جامعه ما بوده و اند که بی هراس از بند و زندان و غل و زنجیر طالب، حاکمیت این نوکران استعمار و جهل و ظلمت را به نبرد فراخوانده اند، کلیه زنان جامعه را بالقوه دشمنان آشتی ناپذیر طالب و طالبیسم دانسته، می کوشد به مانند خرس چنان شفقتش را بروز دهد که به نابودی و مرگ زنان منجر شود.

هموطنان گرامی!

وقتی ملا "ندیم" در بحث مسدود ماندن مکاتب دخترانه و تعلیق درس محصلان اناث پوهنتون، بی مورد پای "شفقت" ملا "هبة الله" را به میان می کشد، واضح می گردد که اولاً دشمن شماره یک زنها در مقطع کنونی همین ملای احمق و جاسوس "آی. اس. آی." یعنی ملا "هبة الله" است و درثانی باند این جاسوس می داند که مردم افغانستان و زنان کشور، رأس هرم دشمنان اصلی شان را شناخته اند، از همین رو ملا "ندیم" می خواهد به نفع آن جنایتکار صحبت نموده وی را شفیق و مهربان معرفی بدارد.

این خود نشان از آن دارد که طالب و نظام ملاسالار چگونه از حرکت زنان و تبدیل آن به یک جنبش سراسری هراس دارند و تلاش می ورزند از همین حالا برای خود راه فرار را جست و جو نمایند. منتها این را نمی دانند وقتی زنان به مثابه یک جنس تصمیم بگیرند که در پیوند با جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلبانه جامعه، خود را از شر طالب و نظام ملاسالار رها سازند، سربازان فدائی آنها در درون خانه های افرادی از قماش ملا هبة الله و بقیه، وظایف انسانی شان را با کشتن آنها انجام خواهند داد. امری که نمونه های آن در تاریخ پرشکوه زنان مبارز هم در سطح جهان و هم در کشور خود ما وجود داشته و باز هم تکرار خواهد شد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!